



روایتی از جلسه پُرتنش شورای شهر تهران

مهدی اقراریان، رئیس کمیته نظارت شورای اسلامی شهر تهران درباره علت ترک صحن شورا توسط هفت نفر از اعضا در جلسه دو روز پیش گفت: «خروج هفت نفر از اعضای شورا از صحن جلسه به‌معنی قهر کردن نبود، بلکه این تعداد از نمایندگان پارلمان شهری با تمدید زمان جلسه موافق نبودند. علت این مخالفت نیز آن بود که تعدادی از اعضای شورا معتقد بودند، مذاکرات درباره مسائل مربوط به قرارداد چین که باید همه ابهامات مربوط به آن شفاف شود، بهتر است در جلسه جداگانه‌ای ادامه پیدا کند.» او ادامه داد: «متأسفانه قبل از این که تعدادی از اعضا جلسه را ترک کنند و چه بعد از آن، بعضی دیگر از اعضای شورا ادبیات خاصی را علیه برخی دیگر از اعضا استفاده کردند. درواقع در این جلسه شاهد وقوع حادثه تلخی در زمینه شکل نامناسب پاسخ‌دهی برخی اعضای شورا به بعضی دیگر - که به انجام وظیفه قانونی خودشان در حوزه نظارت بر عملکرد شهرداری می‌پردازند-بودیم.»



۸۰ درصد زباله‌گردها اتباع‌اند

رضا محمدی، مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران گفت: «براساس ماده ۱۶ قانون پسماند، زباله‌گردی جرم است؛ اما جرمه‌ای که در قانون برای این جرم در نظر گرفته شده، بازدارندگی لازم را ندارد.» به گزارش ایسنا، محمدی درباره دسترسی که از سوی مقامات قضایی جهت جمع‌آوری زباله‌گردی گرفته شده، گفت: «در یک بازه زمانی یک‌ماهه توانستیم در سطوح مناطق ۲۲گانه، حدود ۸۰ درصد زباله‌گردها و مافیای آن را جمع‌آوری و مراکز را پلمپ کنیم.» به گفته او، بیشتر زباله‌گردها اتباع هستند که با دستورات قضایی گرفته‌شده آنها در مرز شدند. مدیرعامل سازمان پسماند درباره فعالیت اتباع به‌عنوان پاکبان در سطح شهر گفت: «در قراردادهایی که میان شهرداری و پیمانکاران منعقد شده، عنوان بهره‌مندی از نیروی اتباع مجاز که دارای مدارک هویتی و ساکن کشور هستند، درج شده است.»



هشدار پلیس درباره موبایل

فیروز کشیر، معاون اجتماعی و فرهنگی ترافیک پلیس راه‌ور تهران درباره حواس‌پرتی رانندگان هشدار داد و گفت: «متأسفانه در بسیاری از تصادفات شاهد هستیم که علت حادثه، عدم‌توجه کافی راننده به جلو است. هر چیزی مانند دخانیات، تلفن همراه، خوردن و آشامیدن باعث حواس‌پرتی راننده شده و توجه کافی را از راننده می‌گیرد، بنابراین ممنوع است.» او ادامه داد که به‌عنوان مثال همه رانندگان می‌دانند استفاده از تلفن همراه در حین رانندگی باعث حواس‌پرتی راننده می‌شود؛ اما متأسفانه هنوز هم این اشتباه را تکرار می‌کنند و این مسئله به یک عادت بد در رانندگان تبدیل شده است که می‌تواند فاجیع بسیاری رقم بزند. کشیر گفت: «در این فاصله چندثانیه‌ای که رانندگان در پشت چراغ قرمز متوقف هستند، آنقدر سرگرم تلفن همراه خود و فضای مجازی هستند که حتی کشیدن ترمز دستی را هنگام توقف فراموش کرده و این چنین با خودروی جلویی برخورد می‌کنند.»



چند روایت از شهروندان منتظر در مقابل ساختمان پلیس امنیت؛ آنها که چندین روز منتظر جای خالی پارکینگ بودند و افرادی که خودروهای‌شان را به‌صورت صوری به پارکینگ منتقل اما پول انتقال را پرداخت کرده‌اند

یک صفحه در اینستاگرام دارم که در زمینه کودک فعالیت می‌کند. ما برای مراسم کودکان برنامه اجرا می‌کنیم. به من پیام داده‌اند اگر تا ساعت ۱۱ مراجعه نکنی، صفحات را می‌پندیم.» ساعت از ۱۰ گذشته و منتظر یک زن چادری است. کنارش زن دیگری ایستاده، زن میانسالی با مانتوی بلند، چادرش را به‌مراجه‌کننده قبلی امانت داده تا برود کارش را انجام دهد و برگردد.

در ورودی زنان، سه زن پشت کابین‌های شیشه‌ای نشسته‌اند. مراجعه به آنجا تنها برای ترخیص خودروست. زنی وارد می‌شود. روسری و مانتویی قابل قبول از نظر نیروی انتظامی به تن و سر کرده. زن اما نگاه نافذی به او می‌کند. زن جوان به پیامک پلیس اعتراض دارد: «روسری سرم بود که برایم پیامک حجاب آمد.» زن پلیس پاسخ می‌دهد که روسری مشکي سرتان نکنید، روسری مشکي را با ما اشتباه می‌گیرند.

کنار ورودی زنان، درست جایی که یک دودکش نقره‌ای بیرون زده، بنر بزرگی به دیوار چسبیده، چهار ردیف پشت‌هم قرار گرفته‌اند که آدرس و اسم ۴۷ پارکینگ طرف قرارداد با نیروی انتظامی را نشان می‌دهد اما هر کس که آدرس‌ها را می‌بیند، تعجب می‌کند. جاده مخصوص کرج، خیابان خاوران، شوش، پاسگاه نعمت‌آباد، شهری، خیابان دماوند، افسریه، یافت‌آباد، کهریزک، زین‌الدین و... چند آدرس هم در یافت‌آباد و خیابان حافظ و تهرانپارس هم دیده می‌شود که همیشه ظرفیتش تکمیل است؛ پارکینگ‌هایی که بین یک‌ونیم ساعت تا ۳۰ دقیقه ساختمان پلیس امنیت اخلاقی فاصله دارند. زنی مشغول صحبت با تلفن است. دنبال راننده جرتقیل قبلی می‌گردد که ماشین‌شان را به پارکینگ منتقل کرده بود؛ دفعه پیش برای خودروی پژو ۲۰۶، دومیلیون پول جرتقیل گرفتند، این بار ماشین راوفور را می‌خواهند توقیف کنند و جرتقیل از آنها ۷ میلیون تومان خواسته. چرا؟ چون خودرو شاسی بلند است و نمی‌شود با یدک کش آن را جابه‌جا کرد. زن مستأصل زیر بنرهای پلیس ایستاده و چندین تماس برقرار می‌کند.

«خانم برید، مفتح باکری آنجا دارد.» این را سر بازی خطاب به چند نفر که دنبال پارکینگ خالی می‌گشتند، می‌گوید. مفتح باکری ساعت ۱۱ صبح اول هفته، نزدیک ۳۰ دقیقه با خیابان ناظریان قلی- محل پلیس امنیت اخلاقی - فاصله دارد. پارکینگ پر از جای خالی است و متصدی می‌گوید که قبض ندارند. بنابراین نمی‌تواند خودروی جدیدی هم تحویل بگیرد:

* «کی قبض دار می‌شوید؟»

* «سه، چهار روز دیگر.»

پارکینگ مفتح باکری، محوطه‌ای وارد دارد. چندین یدک کش آنجا منتظر ماموریت‌اند. راننده یکی از آنها می‌گوید که پول جرتقیل مستقیماً به حساب آنها واریز نمی‌شود. نیروی انتظامی واریزی‌ها را برایشان انجام می‌دهد. بنابراین خودشان نمی‌توانند به‌طور مستقیم ماشین‌ی را جابه‌جا کنند.

▼ ۵۰ کیلومتر رانندگی با خودروی توقیفی

زنان و مردان جوان آمده‌اند تا خودروی‌شان را از این پارکینگ تحویل بگیرند. اغلب، عکس‌های قبل و بعد دارند؛ از کیلومترشمار، بدنه خودرو... تا تجربه‌ای مانند محسن نداشته‌باشند. «محسن»، مرد جوان حدوداً ۴۰ ساله‌ای است که پس از سومین پیامک حجاب پلیس برای توقیف خودرواش اقدام کرد اما با ماجرای عجیبی مواجه شد. او دوشنبه هفته پیش به دو پارکینگ در تهران مراجعه کرد؛ یکی در خیابان دماوند و دیگری در محدوده سیدخندان که هر دوی آنها اعلام کردند ظرفیت‌شان پر است و باید به کلاتری مراجعه کند.

توقیف‌های پولساز

گزارش «هم‌میهن» از چند روزمراجعه به پلیس امنیت وپارکینگ‌های خودروواستیصال شهروندان

درحالی که محسن به چشم دیده که جای خالی دارند. محسن هم برای توقیف خودرو به کلاتری همان منطقه مراجعه می‌کند. روند تحویل خودرو نزدیک ۱۰ ساعت طول می‌کشد تا در نهایت برگه‌ای به او داده می‌شود. در این مدت هم خودرو در پارکینگ کلاتری توقیف بوده. آنها محل را ترک می‌کنند و شب برایشان پیام می‌آید که خودرو تحویل پارکینگ داده شده است. محسن اما در کلاتری از تمام اجزای خودرو عکس می‌گیرد، از کیلومترشمار، آمپر بنزین و... بعد از یک‌هفته با پایان زمان توقیف خودرو، برای ترخیص اقدام می‌کند. به پلیس امنیت اخلاقی، بانک و... مراجعه می‌کند. دو، سه میلیون تومان هم هزینه‌های ترخیص را پرداخت می‌کند و به سمت پارکینگ می‌رود. پارکینگ در محدوده اتوبان زین‌الدین، کنار اتوبان یاسینی شرق قرار دارد. در پارکینگ اما شیشه تمام خودرو پایین او می‌گوبد شاید به‌دلیل گرما بوده اما همین اقدام، گرد و خاک زیادی را وارد ماشین کرده بود. وقتی سوار ماشین می‌شود متوجه کیلومترشمار می‌رود. در حالی که قبل از تحویل خودرومیزان کیلومتر حدود ۲۷ هزار بوده، موقع تحویل عدد ۵۳ هزار را نشان می‌دهد: «عکس‌ها را که می‌قایسه کردم، متوجه شدم خودرو من ۵۰ کیلومتر تردد داشته. درحالی که از کلاتری تا پارکینگ ۱۹ کیلومتر است و اگر با جرتقیل منتقل شده باشد که هیچ مسافتی نباید اضافه می‌شد.»

▼ واریز پول جرتقیل به حساب شخصی

به گفته این شهروند، دو شماره حساب در برگه ترخیص بود، مبلغ پارکینگ و مبلغ جرتقیل، مبلغ پارکینگ را باید به شماره حساب مربوطه واریز کرد و مبلغ جرتقیل را در پارکینگ. برای جرتقیل باید یک میلیون و ۸۶۰ هزار تومان واریز می‌شد اما همان‌جا شماره کارت دیگری دادند و گفتند که به این شماره واریز کن؛ شماره مربوط به حساب شخصی یک خانم بود: «این پول را همان اول قبل از اینکه ماشین را از پارکینگ خارج کنم، از من گرفتند. وقتی متوجه کیلومترشمار ماشین شدم، به متصدی پارکینگ اعتراض کردم و عکس‌ها را نشان دادم و گفتم که ماشینم با جرتقیل منتقل نشده است. تا حرف از شکایت زدم و اعلام کردم که این موضوع را پیگیری می‌کنم بلافاصله از من شماره کارت خواستند که پول را برگردانند. اما بعد از آن به کلاتری رفتم و گفتم که می‌خواهم شکایت کنم.» او ادامه می‌دهد: «در کلاتری به من گفتند که نیاز به شکایت نیست و شماره مسئول پارکینگ را به من دادند. من هم تماس گرفتم و از من شماره حساب گرفتند. بعد از تماس‌های مکرر در نهایت برایم یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان واریز کردند و ۴۰۰ هزار تومان را نگه داشتند.» می‌پرسد که ۵۰ کیلومتر را کجا رفته‌اند؟ چه تخطفی کرده‌اند؟ چه چیزی با ماشینش جابه‌جا کرده‌اند؟ «از این سر شهر تا آن سرش، ۷۰ کیلومتر است، چطور برای چنین فاصله‌ای ۵۳ کیلومتر ماشینم حرکت کرده است. در کلاتری حتی حاضر نشدند شکایت من را ثبت کنند، به سامانه ۱۹۷ موضوع را اعلام کردم، ثبت شد اما خبری به من ندادند. من مستندات کافی دارم و این موضوع را از نهادهای قضایی پیگیری خواهم کرد.» او می‌گوید که برخی کلاتری‌ها ماشین را خودشان به پارکینگ منتقل می‌کنند، اما پول جرتقیل می‌گیرند.

▼ انتقال صوری خودرو با جرتقیل

اما این تنها روایت محسن نیست. سعید، جوان دیگری است که بعد از سومین پیامک پلیس، برای توقیف خودرو اقدام کرده چراکه نمی‌خواسته در خیابان یا در اتوبانی ماشینش را توقیف کنند، او هم همین پروسه را طی می‌کند و خودرو را بدون جرتقیل تحویل



زهرا جعفرزاده

خبرنگار گروه جامعه

ساختمان، دیوار به دیوار کلاتری ۱۳۷ نصر یا همان گیشاست؛ ساختمانی با درهای سبز کم‌رنگ که هر روز صبح تعداد زیادی از شهروندان با برگه‌هایی در دست مقابلش ایستاده‌اند. ورودی زنان و مردان جداست. در صف مردان، اغلب راننده‌های تاکسی‌های اینترنتی قرار گرفته‌اند که چندین روز از توقیف خودروی‌شان گذشته و تنها راه درآمدشان قطع شده: «۵ روز است ماشینم توقیف شده، دارم دیوانه می‌شوم.» مرد مستأصل ایستاده و منتظر است نوبتش شود. هنوز هفت روز از توقیف خودرواش نگذشته اما آمده تا چانه‌زنی کند، تخفیف بگیرد و زودتر ماشینش را از توقیف درآورد: «آقا اصرار نکن، گفته‌اند به‌هیچ وجه تسامح نکنید.» این را سر باز جوان مقابل در سبز رنگ ورودی آقایان، خطاب به راننده‌ها می‌گوید. آنها درمانده ایستاده‌اند تا شاید گشایشی شود: «خانم من که نمی‌توانم به‌طور مرتب مسافرم از آنجا دید بزنم تا نکند روسری‌اش افتاده باشد. وسط اتوبان نمی‌توانم بروم روسری‌اش را گره بزنم.» راننده این را با اعصاب‌ت می‌گوید و به نفر جلویی نگاه می‌کند. او هم تایید می‌کند. درشان مشترک است.

ساعت ۱۰:۳۰ صبح روز گذشته، نزدیک ۵۰ نفر در صف‌ها و گروه‌های مختلف، در بن‌بست پارک ایستاده‌اند. تعدادشان نسبت به روز قبل از آن یعنی شنبه، بیشتر است. اغلب برای ترخیص آمده‌اند، بیشترشان هم مبلغ یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برای جرتقیل و چندصد هزار تومان برای پارکینگ و دو تا سه میلیون تومان برای عوارض و جریمه خودرو پرداخت کرده‌اند.

زنان و مردان پیر و جوان، هر دقیقه به جمعیت اضافه می‌شوند، کلافه و بی‌تکلیف. نگاه‌ها پرسشگر است. جلوی در ورودی زنان، مراجعه‌کننده دارای معلولیتی روی ویلچر نشسته. زن میانسالی که برای مراجعه به پزشک همراه با خواهر زاده‌اش به تهران آمده و زمانی که چند نفر به کمک آمده بودند تا او را از خودرو خارج و روی ویلچر قرار دهند، حین جابه‌جایی روسری از سرش سر خورده و روی شانه افتاده. درست همان موقع عکسی از او گرفته‌اند و سومین پیام برای مالک خودرو رسید. او آمده بود تا توضیح دهد. باید به اصفهان برگردند و نمی‌توانند یک هفته خودرو را توقیف کنند. جلوتر از او، صدای اعتراض زنی بلند می‌شود. نگاه‌ها به سمتش بر می‌گردد. همه از وضعیت پیش آمده، منتقدند. بن‌بست پارک از فروردین‌ماه سال گذشته که ساختمان پلیس امنیت اخلاقی از خیابان خالداسلامبولی به محله کوی نصر منتقل شد، صبح تا بعدازظهر، پر از جمعیتی است که برای ترخیص خودرو و تعیین تکلیف دستگیرشدگان در ماجرای حجاب مراجعه می‌کنند. اهالی از این وضعیت ناراضی‌اند. هر روز تعداد زیادی خودرو در محل متوقف می‌شود و آدم‌های زیادی دور هم جمع می‌شوند.

در ورودی ساختمان، صف مردان طولانی است. لایه‌لای آنها هم‌زمانی راه‌شان را باز می‌کنند تا از در آقایان وارد مرکز شوند. زن با چشمانی اشکی برمی‌گردد. به او اجازه ورود نمی‌دهند چون چادر سرش نیست. آنجا هم چادری به‌مراجه‌کنندگان نمی‌دهند. می‌گوید که نمی‌دانسته باید چادر سرش باشد. مانتوی او تا زیر زانوست اما اجازه ورود نمی‌گیرد. منتظر به میله آهنی کنار در تکیه می‌زند تا بلکه زنی با چادر بیاید و چادرش را به امانت بگیرد: «من